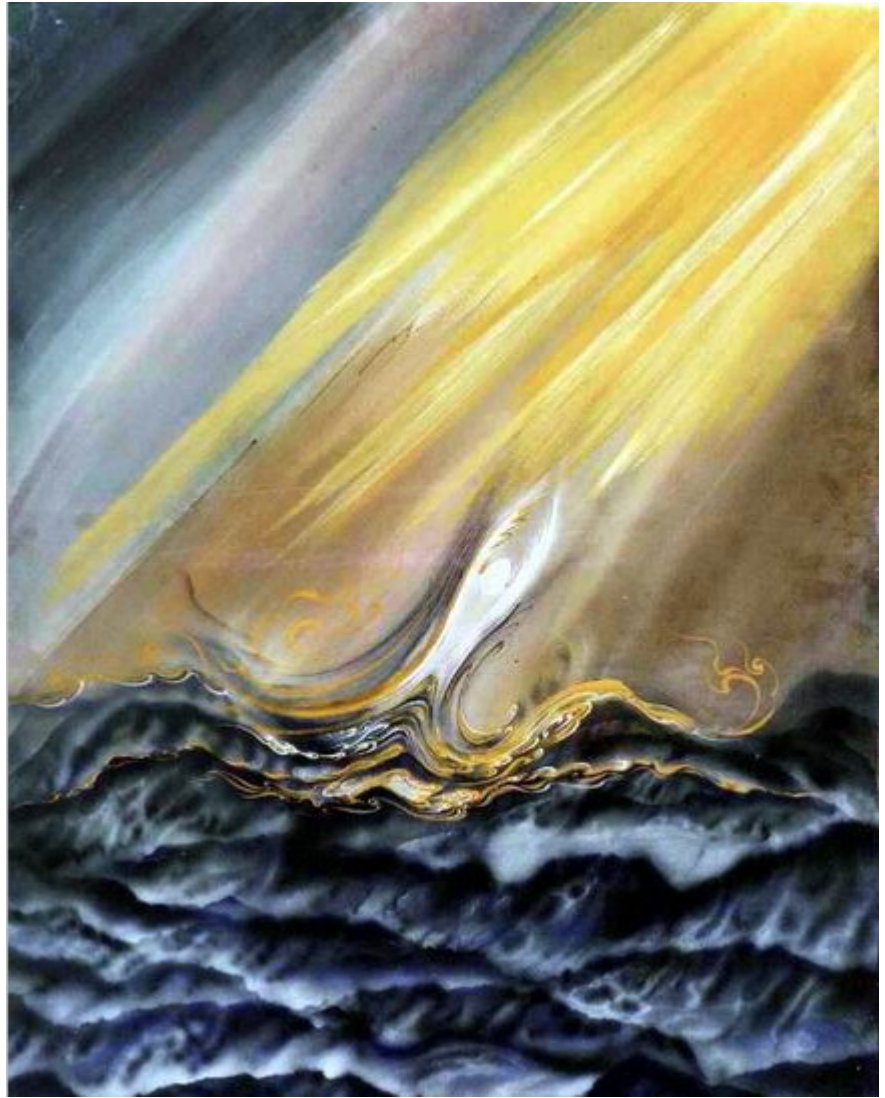
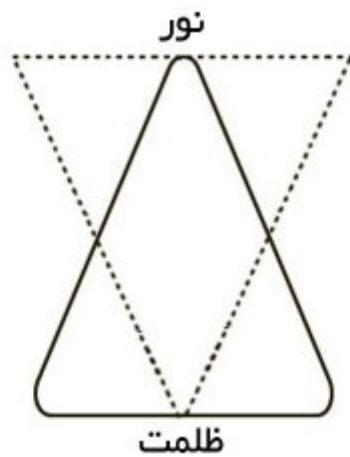




مثلت نور و ظلمت

مرحوم محمد کریم خان کرمانی اع در مقدمه حقائق الطب میفرمایند که کمال خداوند صفت اوست و صفت او نور اوست نه خود او، و این نور خلقی است که از مبدأ قرب تا نهایت بعد تابیده و دارای مراتبی است که اختلاف مراتب آن در قوت و ضعف است اگر نه مکانی نیست که از آن نور خالی باشد.

این نور دارای دو جهت است، جهتی که وصفیت خداوند را میکند که آن را جهت من ربه یا نور میگویند و جهتی از حیث خودش که خلق است و آن را من نفسه یا ظلمت میگویند. هر چه به مبدأ قرب نزدیک میشویم وصفیت خداوند و نورانیت غالب شده و هر چه مراتب نور پایین میرود ظلمانیت نفس غالب میشود، که آن را مانند دو مثلث متداخل مانند شکل زیر میتوان ترسیم کرد:



نور و ظلمت هر کدام اقتضائات و مقتضیاتی دارند به اینطور که نور دارای لطافت، نازکی، انبساط، احاطه و گسترش است و ظلمت نقاط مقابل آن یعنی غلظت و انقباض و محاط بودن و تنگی است.

خلاصه این گونه مراتب خلق ایجاد میشوند به طوری که هر خلقی به هر مقداری از هر جهت را داشته باشد به همان مقدار از جهت مخالف بری است، به زبان دیگر آنچه در جانب نور یعنی ربوبیت مخفی است در عبودیت روشن و آنچه در عبودیت یعنی همان جنبه ظلمت فاقد و مخفی است در جانب ربوبیت پیدا میشود، برای اینکه عبودیت غلیظ شده ربوبیت و ربوبیت لطیف شده عبودیت است، و اگر کسی اسرار عبودیت را شناخت اسرار مقامات ربوبیت را شناخته چنانکه امام علیه السلام میفرماید **من عرف نفسه فقد عرف ربه** و کسی که اسرار مقامات ربوبیت را شناخت برایش شناخت حقایق عبودیت یعنی مراتب پایینتر خلاق و اسرار آنها ممکن میشود چنانکه امام میفرماید **من عرف مواقع الصفة بلغ قرار المعرفة**.

تفاوت دو نوع شناختی که گفتیم در این است که گروه اول اشیاء را از طریق استدلال و برهان ان می شناسند و گروه دوم از طریق مشاهده برهان لم. و فاصله این دو مسلک تفاوت بین کور و بیناست که البته راه هر دو به سوی نجات است.

در این بین گمراهی از آن کسانی است که مرحوم کرمانی اع میفرماید : **و الخسران لجماعة يعلمون ظاهراً من الحياة الدنيا و هم عن الآخرة هم غافلون**. که در هفته آینده به ذکر احوال آنان میپردازیم.